خبر

فروش ۳۱۲ میلیاردی سینما در ۹ ماه

سینمای ایران در ۹ ماه گذشته بیش از ۱۰ میلیون نفر تماشاگر داشته است. براساس اطلاعات سامانه سمفا در ۹ ماه گذشته فروش کل سینمای ایران به ۳۱۲ میلیارد و ۳۱۷ میلیون تومان رسیده و بیش از ۱۰ میلیون و ۴۴۰ هـزار نفر هم به تماشای فیلم‌های اکران شده نشسته‌اند. فیلم «انفرادی» با دو میلیون و ۳۸۳ هزار نفر مخاطب و حـدود ۷۶ میلیارد تومان فـروش، پرمخاطب‌ترین و پرفروش‌ترین فیلم سینما در سال ۱۴۰۱ تاکنون است. از میان فیلم‌هایی که در پاییز روی پرده رفتند، «بخارست» تاکنون بیش از ۴۱۱ هزار بلیت فروخته و حدود ۱۳ میلیارد تومان هم فروش داشته است. «جزیره فضایی» (تورنادو۲) طی سه روز اکران ۲۵۰۰ تماشاگر داشته و نزدیک به ۷۸ میلیون تومان فروش کرده است. «پسر دلفینی» با ۷۶۴ هزار تماشاگر، ۱۹ میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان فروش داشته و «لوپتو» با ۴۲۲ هزار تماشاگر، ۱۰ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان فروش کرده است. «بام بالا» با ۱۸۰ هزار نفر تماشاگر به فروش دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده و کمدی «طبقه یک و نیم» با ۲۴ هزار نفر تماشاگر، ۷۵۷ میلیون تومان فروش داشته است. فیلم «بیرو» هم با ۳۳۰۰ نفر تماشاگر فقط ۹۳ میلیون تومان فروش داشته است. در حال حاضر سه فیلم «بی‌آبان» با ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان فروش، «عمارتی در مه» با هشت میلیون و ۴۰۰ هزار تومان فروش و «حرف آخر» با ۱۲ میلیون تومان فروش نیز در گروه هنر و تجربه روی پرده هستند.

درنگ

جنگ؛ سوژه همیشگی صحنه

رضا آشفته
گروه فرهنگ و هنر

جنگ همواره با درام تعریف نسبتا مشترکی دارد و این خود یک دلیل مبرهن است؛ زیراکه هنوز هم تمام صحنه‌های جهان، تئاترهایی با موضوع جنگ از گیرایی و جذابیت برخوردارند و تماشاگران با شور و شوق به دیدن این آثار می‌روند اما با تلخی و انـدوه این کارها را ترک می‌کنند چون در برابر موضوع جنگ هر کسی با یک درد جانکاه غیرقابل پذیرش همراه می‌شود و پیامد آن همان است که گفتیم. اگر به درازنای تاریخ برگردیم، از نخستین آثار از ۲۷۰۰ سال پیش همواره جنگ سرمنشأ و سرچشمه دیگر آثار بوده و اگر به تاریخ درام هم نگاه کنیم نخستین آثار هم موضوع جنگ را با خود داشته‌اند، چنانچه اشیل، آنتیگونه و آژاکس سوفوکل و همچنین آثار اوریپید و آریستوفان به موضوع جنگ پرداختند که کاملا با موضوع کشتار و جنگ همراه بودند. و پس از آن ویلیام شکسپیر تمامی آثـارش متأثر از سنکای روم باستان است، ساختار پنج پرده‌ای دارد و در آنها آدم‌ها با خشم و خشونت با یکدیگر مواجه می‌شوند. جنگ و گریز محتوای نمایش‌های او را شکل می‌دهد و فرقی نمی‌کند این نمایشنامه تراژدی باشد، کمدی باشد یا تاریخی و روستایی. در میان آنها این خشم و خشونت در نمایشنامه‌های مکبث، هملت، شاه‌لیر، اتللو و رومئو و ژولیت و... بسیار پررنگ است. بنابراین جنگ رفته رفته از آن دو درست‌ها به این نزدیکی‌ها آمده؛ همچنان که در تاریخ این جنگ‌ها به دلایل مختلف در سرزمین‌های متفاوت تکرار شـده و پیامد و بازآفرینی آنها در نمایشنامه‌ها به دست نویسنده‌ها تکرار شده‌است. در قرن بیستم نویسندگان بزرگ مانند یوجین اونیل و آرتـور میلر، به مسأله جنگ به شکل پررنگی پرداخته‌اند؛ به خاطر این‌که جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم فجیع‌ترین، دردناک‌ترین و هولناک‌ترین جنگ‌ها در درازنای تاریخ برای بشر بوده‌است. در سرزمین ایران هم همانند سرزمین‌های دیگر همواره جنگ و ستیز وجود داشته و بخشی از نمایشنامه‌نویسان بزرگ ما موضوع برخوردشان جنگ بوده‌است که واقعیت جنگ را به شکل ملموس لمس کرده‌اند. بهتر از دیگران علیرضا نـادری به محتوای جنگ پرداخته‌است. اما آن‌هایی که از بیرون و دور خواسته‌اند به موضوع جنگ بپـردازند، با آن‌کـه تلاش بسیاری داشته‌اند -مطالعه و تحقیق کرده‌انـد- و پای صحبت مجروحان یا سرداران جنگ نشسته‌اند، واقعیت ملموس را نتوانستند در نمایشنامه‌های‌شان منعکس کنند. هر آدمی مثل علیرضا نـادری که خود سرباز وظیفه بـوده، در میدان جنگ حضور داشته، تیر خورده، جراحت برداشته و تحت درمان بوده و در عین حال هر آنچه دیده، شنیده، بوییده و چشیده و به قول معروف لمس کرده به قاعده از جنگ به متونش وارد شده و متون او قابل باور و قابل پذیرش‌تر و در واقع ماندگارتر هست. شاید شاهکار او، «پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد» باشد که سال ۷۴ نوشته شده‌است. در عین حال آثار او هم در میان آثار ایرانی از یک رده بالاتر و ممتازتر هستند؛ مانند: «چهار حکایت از چند حکایت رحمان» یا «۷۷/۶/۳۱» یا نمایشنامه «سه پاس از حیات طیبه نوجوانی نجیب و زیبا» و همچنین دیگر آثار او که دربرگیرنده موضوع جنگ هستند؛ مثل نمایشنامه «این ایرانیان نبشته‌اند». اینها که در مجموعه آثار او تاثیرگذار بود و پس از خودش نویسندگان دیگری هم تلاش‌هایی کرده‌اند، مثل جمشید خانیـان کـه جنـگ‌زده بـوده و از آبـادان به بندرعباس و به تهران کوچ کرده‌است یا علیرضا حنیفی که فکر می‌کنم کردستان هم جنگ‌هایی برای خودش داشته و برای او ملموس بوده و قابل باور که در آثار نویسنده منعکس شده‌است. اما آنچه علیرضا نادری را متمایز می‌کند ابعاد چندگانه‌ای است که به آثارش می‌دهد. این دیگر از قابلیت‌های ذهنی و روانی این نویسنده است که می‌تواند موقعیت‌ها، آدم‌ها و گفت‌وگوهایش را چنان بنویسد که ضمن باورمندی، بتواند به یک تأثیر مطلوب منجر شـود. بـنابراین جنـگ هـمـواره حضوری پـررنـگ در صحنه‌های تئاتر دارد و امروز نیز می‌توان آثار درخوری در این زمینه تماشا کرد.

مرور چند فیلم جنگی سینمای ایران با موضوع و محوریت غواصان شهید و رزمنده

سجده بر آب

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

اگرچه آن تقدیر عاشورایی در هر نقطه دیگر و با تغییرات شکلی متفاوت هم محقق می‌شد، اما بستن آب به روی سپاه امام‌حسین(ع) و تشنگی او و یارانش تراژدی ماجرای کربلا را تشدید کرد. بعد از آن و به ویژه در دوران جنگ تحمیلی، شهادت با لب تشنه بلافاصله به کربلا ارجاع داده می‌شد و نینوا را به ذهن می‌آورد. اما شاید غریب‌ترین نسبت شهادت شهدای بعد از کربلا و مقاومت با همرزمان شهید عاشورا، متعلق به غواصان شهید باشد که با وجود انس و الفتی مدام با آب، به شکل متفاوت و دگرگونه‌ای به کربلا وصل می‌شوند و شهادت‌شان به مصداق «آب کم جو تشنگی آور به دست» رنگ و بوی دیگری به رهایی و رستگاری می‌دهد، مثل شهدای غواص عملیات کربلای ۴ که شهادت‌شان با دستان بسته و بازگشت پیکرشان بعد از سال‌ها به وطن، سند سعادتی بی‌نظیر را به نام‌شان زده‌است. اگرچه سینمای ایران هنوز فیلم مستقیم و کامل و ماندگاری در این خصوص نساخته، اما طی سال‌ها چند فیلمی با موضوع غواصان شهید و رزمنده و جان برکف تولید کرده که اینجا به مناسبت سالروز عملیات کربلای ۴ آنها را مرور می‌کنیم.

افق

اولین و مشهورترین فیلم سینمای ایران که درباره غواصان غیور و جان برکف ایرانی حاضر در جنگ ایران و عراق ساخته شد و روایت جـذاب و ملتهبی هم داشت. «افـق» به کارگردانی زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور محصول سال ۶۷ بود. فیلمی که با آن پوستر و عکس‌های جهانبخش سلطانی و سیدجواد هاشمی با لباس‌های غواصی به ویژه ساعت بزرگ غواصی بر مچ دستان دو بازیگر نقش اصلی خودنمایی و جلب توجـه می‌کـرد. فیلم اسـاسـا قصـه‌ای بـا محـوریت و نقش تعیین‌کننده غواصان جنگ‌تحمیلی داشت و داستان غواصی به نام نصرت (سلطانی) را روایت می‌کرد که باوجود ترکشی در بدن، برای شناسایی مواضع دشمن و انهدام سکوی الامیه با لباس و تجهیزات غواصی به آب می‌زند. تیتراژ اول فیلم با صدای دریا و نهنگ با موسیقی محمدرضا علیقلی و فیلمبرداری زیرآب محمدرضا موسایی و حسن سلطانی ورودی مناسب و جذابی به جهان قصه و شخصیت‌های اثر است. در ادامه با تصاویر آبزیان و ماهی‌ها همراه می‌شویم و به یک غواص بی حرکت و افتاده در آب می‌رسیم که درست همان موقع نصرت از خواب بیدار می‌شود. خواب یا کابوسی که بعدا با شهادت همرزمش، غواص جوانی به نام احمد (سیدجواد هاشمی) رنگ واقعیت به خود می‌گیرد. به لحاظ ارجاعات عاشورایی هم ملاقلی‌پور، عناصر و نشانه‌هایی را در فیلم تعبیه می‌کند، به ویژه با قایق موتوری نصرت که پرچم سرخ «یا اباالفضل العباس» در آن برافراشته شده و اسم عاشوراهم روی بدنه قایق حک شده و بعدا در وصیت‌نامه احمد هم از آن به عنوان قایق عاشورایی یاد می‌شود. با این عقبه اعتقادی، همه عناصر غواصی در خدمت فرهنگ عاشورایی فیلم قرار می‌گیرند، از تمرینات غواصان با اسلحه و در مجاورت نخل‌ها و روایت نصرت روی تصاویر با جملاتی نظیر «جزو اطلاعات عملیات بودن یعنی بی‌نام و نشان شدن. یعنی دل کندن، تنها شدن، نترسیدن. رفتن. به خط زدن و به دشمن رسیدن» تا وصیت‌نامه احمد «شاید این قسمت شیرین به تعویق بیفتد و من و تو بازم تو قایق عاشورا سینه دریا رو بشکافیم و جلو بریم. به هرحال یاد تو همیشه با منه. یاد تو و اون قایق عاشورایی؛ عاشورا و تشنگی، تشنگی و دریا» و آموزش‌های غواصی به غواص جوانی که جانشین احمد شده‌است «اینجا دریاست، نه سنگری نه جان پناهی. آدم وقتی فرو بره کسی نیست کمکش کنه. هیچ‌کس.» فیلم افق شاید بیش از اینها با سکانس مشهور عزاداری شبانه رزمنده‌های غواص قبل از عملیات به یاد آورده می‌شود، به ویژه با قطعه «بمیرید بمیرید» با صدای مسعود کرامتی که قطعه مشهور کویتی‌پور را بازخوانی می‌کند.

بوی پیراهن یوسف

این فیلم محبوب و ماندگار ابراهیم حاتمی‌کیا استفاده استعاری و موثری از حرفه خطیر غواصی می‌کند و یوسف به عنوان کاریزماتیک‌ترین و حاضرترین غایب فیلم، غواصی است که همه معتقد به شهادت او هستند به جز پدرش دایی غفور. در دقیقه ۲۷ در تصاویری که شیرین (نیکی کریمی) و نسرین (شیرین بینا) مشغول تماشای تصاویر رزمنده‌های غواص هستند، ما یوسف و رفیق و همرزم و همسر نسرین اصغر (جعفر دهقان) را می‌بینیم که با لباس غواصی مشغول عزاداری در ساحل هستند. موقع دیدن تصاویر دویدن و تمرینات غواص‌ها، نسرین توضیحاتی درباره رفاقت یوسف و اصغر می‌دهد که در ادامه باعث آشنایی و ازدواج اصغر و نسرین هم می‌شود. بعد از توضیحات نسرین درباره چگونگی گمشدن یوسف در یک رودخانه عریض با سرعت آب زیاد و جدا شدن از دیگر غواصان، به تصاویر خارج کردن پلاک یوسف از دندان‌های کوسه مرده نزدیک ساحل می‌رسیم که آن وجه استعاری قصه و ماجرای یوسف را پررنگ می‌کند و به نوعی یادآور یونس و شکم نهنگ می‌شود. اما باز هرکس این گزاره و ادعا را باور کند، دایی غفور زیر بار نمی‌رود: «تو کجایی؟ تو شکم کوسه؟!» و در پایان می‌بینیم که طعنه او بی‌دلیل نبود و چشم انتظاری‌اش با بازگشت یوسف از اسارت به بار نشست.

اشنوگل

فیلم اشنوگل به کارگردانی علی سلیمانی و هادی حاجتمند ساخته شد. اگرچه این فیلم با نیت خوب و تعلق خاطر سازندگان آن به موضوع شهدای غواص کلید خورد، اما خروجی جذاب و ماندگاری ندارد. هرچند ساخت فیلم در سال ۹۵ و یک سال بعد از بازگشت پیکر شهدای غواص به وطن، واکنش خوبی به این ماجرا بود اما فیلمنامه، ساختار، روایت و ترکیب بازیگران چندان درخور موضوع نبود. باوجود جمله «داستان این فیلم واقعی نیست اما...» در اول تیتراژ، می‌توان پیوندهایی با شهدای غواص عملیات کربلای ۴ یافت، از جمله کشف پیکر قهرمان غواص قصه بعد از سال‌ها. البته تیتراژ پایانی، اشاره سرراست‌تری به واقعیت این اتفاق تلخ و شهادت غواصان دارد و به ویژه با ترانه‌ای با صدای علی جهانیان روی تصاویر شهدای واقعی غواص تا حدودی برای تاثیرگذاری بر مخاطب به مدد فیلم می‌آید: «دلم برات تنگ شده چرا/ فرصت ندادی تا منم بیام/ با دست بسته بردنت کجا/ از شرم موندنم رو سیام.»

تارهای نامرئی

این فیلم به کارگردانی حبیب ا... بهمنی هم اشاره به اهمیت و ارزش کار غواصان در شناسایی مواضع دشمن در طول جنگ تحمیلی دارد. هرچند این اشاره تنها به سکانس‌های اول فیلم و تلاش ناکام غواصان به سرپرستی کیوان محتشم (فرامرز قریبیان) محدود و منحصر می‌شود و فیلم در ادامه به مسیر دیگری می‌رود اما همان مختصر و تصاویر زیر آب و روند عملیات هم نشان از دلیری غواصان ایرانی دارد. این دیالوگ هم که از زبان یکی از غواصان با خنده و قبل از شروع عملیات گفته می‌شود، نمکین است و در یاد می‌ماند: «داریم می‌ریم از کوسه‌های مهربان سان ببینیم.»

شمارش معکوس

این فیلم به کارگردانی اکبر حر و محصول سال ۷۶ در همان اول تیتراژ به شهدای مظلوم و گمنام غـواص و همه غواصان رزمی جبهه‌ها این جانفشانان دفاع‌مقدس تقدیم می‌شود، امـا ایـن تقدیمی با وجـود بـرخـورداری از صحنه‌های نـبرد و مهیج و آموزش به غواصان درباره درگیری با غواصان دشمن و اشاره به نقش مهم غیورمندان غواص در نبرد فاو، آن‌طور که باید جـذاب و باکیفیت از آب درنمی‌آید. شاید تنها آن دیالوگ پایانی احمد (حسن عباسی) خطاب به غواص شهید، حاوی بار وطن‌پرستی و دلیری غواصان باشد: «بیا سردار شهید شط خون. برمی‌گردیم به وطن.»

گلوگاه شیطان

این فیلم هم به کارگردانی حبیب ا... بهمنی هم از معدود آثار سینمای ایران درباره غواصان شهید و رزمنده است و قصه گروهی از ماموران شناسایی ایران در سال ۱۳۶۴ را روایت می‌کند که برای شناسایی منطقه‌ای از رودخانه اروند دچار سختی‌های فراوانی می‌شوند. سرانجام منطقه شناسایی شده و عملیات والفجر ۸ آغاز می‌شود. یکی از موارد خوب و قابل اشاره فیلم، تیتراژ آغازین آن با عناصری از آب و خون است که هنرمندانه شهادت غواصان را تداعی می‌کند.

برش

نبرد آبی با پایگاه‌های جهنمی

به جز معدود فیلم‌هایی که به خط شکنی غواصان رزمنده و شهید دفاع مقدس و جنگ تحمیلی می‌پردازد، در برخی فیلم‌های دیگر هم چشمه‌ها و نشانه‌های اندکی از حضور غواصان غیور ایرانی می‌بینیم، به ویژه در فیلم‌های جنگی و دفاع‌مقدسی که نسبتی با آب دارند و مسیر مقاومت رزمنده‌های ایرانی از رود و دریا می‌گذرد. فیلم‌های حماسه مجنون به کارگردانی جمال شورجه و پایگاه جهنمی به کارگردانی اکبر صادقی از جمله این آثار هستند. اولی که به ماجرای دلیری ایرانی‌ها و نبردشان در جزایر مجنون با عراقی‌ها می‌پردازد، ابدا ربطی به غواصان ایرانی ندارد و تنها در بخشی از فیلم، یک عراقی با لباس تکاوری و با عینک غواصی در قایق با ایرانی‌ها مواجه می‌شود و خیلی غافلگیرانه خودش را تسلیم نیروهای ایران می‌کند و می‌گوید چون عاشق جمهوری اسلامی ایـران است، می‌خواهد خبر حمله قریب‌الوقوع عراقی‌ها را بدهد. در دومی هم اواخر فیلم، یک غواص نیروی دریایی به کمک کماندوهای جان برکف ایرانی می‌آید تا آنها را به نقطه امن برساند؛ کماندوهایی همه فن حریف که بارها در طول فیلم و با حبس نفس خود در آب، از پس کلاه‌سرخ‌های عراقی برآمدند و در بیشه‌ها امان دشمن را بریدند.

نگاه

شهید گمنام

ابوالفضل سپهر، شاعری است کـه در جبـهه حضور نداشت ولی در طول عمر کوتاه خود، روایتگر رشادت‌های رزمندگان در طول هشت سال دفاع مقدس شد. او متولد ۱۵ خرداد ۵۲ است. در سال ۷۷ بر اثر همنشینی با ایثارگران و خانواده‌های شهدا دست به قلم برد و اولین شعرش را نوشت. او در ملاقاتی با همسر شهید همت، شعری درباره ازدواج شهید همت گفت. بعد از خواندن این شعر به اصرار همسر شهید همت، تصمیم به چاپ اشعارش در کتابی به نام «دفتر آبی» گرفت.
وی سرانجام در روز سه شنبه ۲۸ شهریور ۸۳ درگذشت.

برای شنیدن شعر «شهید گمنام» سروده ابوالفضل سپهر کیوآرکد را اسکن کنید

نمایی از فیلم شمارش معکوس با موضوع غواصان شهید

قاب

خلق آثار هنری توسط ۲۵۰ هنرمند هیأتی

رویـداد ملی هنری «جـان فـدا» به روایـت بخشی از ابـعـاد شخصیتی شهید حاج قاسم سلیمانی با زبان هنـر بـه مـدت سـه روز و بـا حضور ۲۵۰ هنرمند هیاتی از سراسر کشور در مشهد برگزار شـد. در مـدت این سـه روز، ایـن هنـرمنـدان گـرد هم آمـدنـد و بـه خلـق آثـاری هـنـری با موضوع شهید حاج قاسم سلیمانی پـرداختـنـد. ایـن آثـار در رشته‌های نـقـاشـی، نـگـارگـری، خوشنویسی، پـوسـتـر، تـبـلـیـغـات شـهـری، موشن‌گرافیک، تصویرسازی، کتیبه و پرچم، حروف‌نـگـاری و کاریکاتور خلق شده‌اند.

رویداد

جشنواره عمار در نمایشگاه قاده النصر

بـه مـنـاسـبـت سـالـگـرد شـهـادت حـاج قـاسـم و ابومهدی‌المهندس و یاران شهیدشان حشدالشعبی و مؤسسات فرهنگی عراق اقدام به برگزاری بزرگ‌ترین نمایشگاه فرهنگی و هنری در محل (نصب الشهید) کردند. در این نمایشگاه اغلب موسسات فرهنگی و هنری در شهرهای عراق شرکت دارند و مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته است.
جشنواره مردمی فیلم عمار نیز با حمایت مرکز بین‌المللی فیلم سریال انوار در این نمایشگاه حضور پیدا کرد. در غرفه فیلم جشنواره مردمی عمار آثار فیلم‌هایی با موضوعات مختلف از جمله جبهه مقاومت، بیداری اسلامی، آرمان قدس، مباحث اجتماعی، استکبار ستیزی و کودک و نوجوان برای عموم مردم، دانشجویان، دانش‌آموزان و فعالان فرهنگی و... به نمایش درآمد. باگذشت حدود یک هفته از آغاز این نمایشگاه، مخاطبان استقبال خوبی آثار جشنواره عمار داشته‌اند. از نکات جالب توجه، تقاضای اکران فیلم‌های سینمایی ایران همچون فیلم محمد رسول ا... (ص) از طرف مخاطبان عراقی بوده است. تیم عمار قبل از نمایشگاه در سفری به دانشگاه بصره عراق اقدام به اکران سه فیلم و اجرای کارگاه فیلمسازی توسط پیمان غنی‌زاده کرد.

اکران

تعطیلی سینماها به مناسبت ایام فاطمیه

سینماهای سراسر کشور به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) از اذان مغرب دوشنبه ۵ دی تا پایان سه‌شنبه شب ۶ دی تعطیل می‌شوند.
بر اساس این گـزارش سینماها از صبح چهارشنبه ۷ دی و با اکران فیلم‌هایی جدید، فعالیت خود را دوباره آغاز می‌کنند.
در حال حاضر سینمای کشور میزبان چهار فیلم در حوزه کودک و نوجوان است که پیش از این سابقه نداشته. «پسر دلفینی» محمد خیراندیش، «لوپتو» عباس عسگری و «بام بالا» سید جمال سید حاتمی آثاری هستند که در این ژانر کودک و نوجوان از سوی خانواده‌ها با استقبال روبه‌رو شده‌اند و «جزیره فضایی» (تورنادو۲) سید جواد هاشمی نیز در هفته گذشته اکران خود را آغاز کرد که تاکنون با استقبال خوب کودکان و خانواده‌های روبه‌رو شده‌است. «بخارست»، «طبقه یک و نیم» و «بیرو» سایر آثار در حال اکران هستند و سه فیلم «بی‌آبان»، «عمارتی در مه» و «حرف آخر» نیز در گروه هنر و تجربه روی پرده هستند.